

خیز برای بکارگیری الگوی عراق

از راه قانون اساسی

امیرفیض- حقوقدان

خیزشی که این روزها برای تدوین قانون اساسی مطرح است با خیزش های سابقه دار که میتوان آنها را برریدیف ۱۲ قلمداد کرد تفاوت فاحشی دارد، نخستین تفاوت در این است که خیزش های سابقه یک تلاش مبارزاتی و یا خودنمایی محسوب میشود، و در چارچوب سنت تدوین قانون اساسی میتوانست قابل بحث باشد که تحریرات و مقالات سنگرم در آن جریان شرکت توضیح و انتقاد داشته است.

خیزش اخیر قانون اساسی

تا آنجا که نویسنده این تحریرات درجریان قرارگرفته و از بیانیه منتسب به اعلیحضرت استنباط کرده است؛ خیزش اخیر قانون اساسی که اشتراک معنا با اجلاس هفتم ماه می دارد مطلقاً یک کارسیاسی است، و لذا این تحریر واجب میداند به ابعاد آن کارسیاسی توجهی داشته باشد.

قسمت نخست این تحریر درارتباط با سیاسی بودن برنامه تنظیم قانون اساسی است و احتمالاً درقسمت دوم به موازین حقوقی تنظیم قانون اساسی باتفاق نگاه میکنیم.

❖❖ مقصود از کارسیاسی دراین تحریر، خدمت به اهداف خاصی است که ازسوی بیگانگان طراحی و تعقیب و یا حمایت میشود.

تحصیل حاصل از جنگ امریکا و عراق

❖❖ جریان حمله امریکا به عراق و نیز افغانستان نشان داد که آنها قبل از اقدامات نظامی به مسائل حقوقی کشورهای مورد حمله توجه خاص دارند و بدین منظور اقدامات زیربنایی و لازم را پیشاپیش حمله نظامی فراهم میکنند: دلایل؛

> امریکا بعد از حمله به عراق پل برمر آمریکانی را به فرمانداری کل عراق منصوب کرد و از اردیبهشت سال ۸۲ تا تیرماه سال ۸۳ دراین سمت مشغول کاربود؛ بنابر اظهار نظری ۴۰۰ دستورالعمل قانونی برای عراق صادرکرد، برمر در تیرماه سال ۸۲ فرمان تشکیل شورای حکومتی عراق را صادر کرد و اعضای این شورا از میان گروه ها و افرادی انتخاب شدند که با حمله امریکا به عراق موافق بودند.

(آمریکا و عراق ۲۵ مرداد سال ۹۴)

>قانون اساسی اولیه عراق آزاد شده توسط پل برمر آمریکائی نوشته شد و از مشخصات آن فدرالی کردن آن کشور است<
(همان ماخذ)

>اولین بار قانون موقت اداره عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی و تنها چند ماه بعد از سقوط دیکتاتور بغداد تحت نفوذ آمریکایها و لابی سیاستمداران نزدیک به واشنگتن نوشته شد.<

(نقش امریکا در تدوین قوانین مدیریت عراق)

✻✻ احمد چلبی یکی از مخالفان حکومت صدام بود (قابل تطبیق با عباس فخرآور) او بعلت سازگاری و عضویت در سازمان سیای آمریکا با تعدادی از نمایندگان کنگره آمریکا هم آشنائی و مورد اعتماد آنها قرار گرفت (قابل تطبیق) احمد چلبی در تصویب قانون آزاد سازی عراق که در دهه ۹۰ در کنگره آمریکا مطرح شد نقش بسزائی داشت (قابل تطبیق با آموزش عباس فخرآور برای تنظیم قانون اساسی) احمد چلبی خیال میکرد که بعد از سقوط صدام از سوی آمریکا بسمت ریاست جمهوری عراق منصوب خواهد شد (قابل تطبیق با عباس فخرآور که او هم خود را جمهوریخواه میداند و مترصد این بذل عنایت آمریکاست) احمد چلبی هم با سازمان سیا مربوط بود و هم پول از آنجا میگرفت و هم با جمهوری اسلامی (قابل تطبیق با عباس فخرآور مساوی با احمد چلبی).

احمد چلبی با عنوان <معمار حمله آمریکا به عراق> مشهور است زیرا با استفاده از آشنائی خود با سناتورهای آمریکا و جعل خبر از جمله اینکه صدام فعالیت های اتمی اش در تعدادی کامیون بزرگ که دانا در حرکت هستند جاسازی شده افکار سنای آمریکا را برای وضع قانون آزادی عراق جلب کرد.

✻✻ در کنار احمد چلبی و دیگر مخالفان صدام آقای شریف علی بن حسن تنها بازمانده از خانواده سلطنتی هاشمی که مدعی پادشاهی بود و سازمانی هم بنام جنبش پادشاهی مشروطه را تاسیس کرده بود قرارداد داشت (قابل تطبیق با موقعیت اعلیحضرت).

او پس از سرنگونی صدام بعد از چند دهه زندگانی در خارج از کشور بموازات احمد چلبی وارد عراق شد اما دولت آمریکا او را تحویل نگرفت و حاضر نشد برخلاف چهره های اصلی مخالفان مانند احمد چلبی، عبدالعزیز حکیم، مسعود بارزانی، جلال طالبانی، ایاد علاوی و ابراهیم جعفری او را بعصویت شورای حکومتی عراق در آورد؛ آقای شریف علی در کابینه حیدر العبادی وزیر خارجه عراق شد و دیگر هیچ (تطبیق فرماید با سیاست کلی آمریکا در مخالفت با سلطنت، خاصه طرح تحریم فعالیت سیاسی به اعلیحضرت = طرح هنری پرشت)

مخالفان سرشناس صدام از جمله همان احمد چلبی روی زمینه های مردمی وسیع و عمیق سلسله هاشمی (تسنن) فعالیت میکردند زیرا سلسله مزبور بر سلطنت عربستان و اردن و سوریه شمول و نفوذ مردمی بسیار داشت (تطبیق با فعالیت های مخالفان جمهوری اسلامی که از نام و موقعیت اعلیحضرت سوء استفاده میکنند و عباس فخرآور تا آنجا رفته که خودش را فامیل اعلیحضرت میشناسد).

دستاوردها

می‌توان گفت که کمتر اعتراضی به مردم عراق وارد است زیرا از نقش احمد چلبی و حیل‌کاری‌های او نسبت به سلطنت و سلطنت طلبان آگاه نبوده‌اند. خاصه که هیچ بی‌احترامی و کج‌فکری هم نسبت به آن شاهزاده هاشمی نمی‌دیدند ولی این حرج بر ما ایرانیان خارج از کشور خاصه سلطنت طلبان وارد نیست؛ زیرا برای العین الگوی کار احمد چلبی و قال‌گذاردن شاهزاده هاشمی را داریم می‌بینیم و با دعوت به تظاهرات بوسیله عباس فخرآور (چلبی) و چند همدست ایرانی و آمریکائی او می‌توانیم تمام دقائق نقش احمد چلبی را برای عباس چلبی بتصویر بیاوریم.

سلطنت طلبانی که به‌رقسم حتی حضوردرسایه، به فعالیت‌های عباس چلبی کمک کنند تبعات و ضایعات زیر را متحمل خواهند بود:

ابزاری خواهند بود که باقوه و هیأت و رای آنها تداوم خواهان منقطع شدن تدام سلطنت ایران شده‌اند.

سرنوشتی بمراتب شوم‌تر از شاهزاد هاشمی را از همین اکنون برای اعلیحضرت امضا داده‌اند.

برای جریان طرح هنری پرشت قائل به مشروعیت شده‌اند.

یادتان هست که درمصاحبه ای اعلیحضرت فرمودند >بعد از سقوط جمهوری اسلامی اگرملت بمن شغل واگذار کند خدمت خواهم کرد، و گرنه می‌روم به کناری و کاری هم به سیاست ندارم< این درست برنامه ای است که عباس چلبی (فخرآور) ماموریت دارد برای اعلیحضرت فراهم کند؛ و همانطور که احمد چلبی عراقی درروی زمینه‌های باور و امید مردم عراق به پیروزی رسید و بعد شاهزاده هاشمی شد هیچ، همان برنامه بوسیله اربابان عباس چلبی برای اعلیحضرت تدوین شده است.

الهامات ناشی از مسئولیت

بشرح توضیحات بالا که دربخش (تحصیل حاصل از جنگ آمریکا و عراق) همه کسانی که درتظاهرات و یا برنامه‌های عباس چلبی مشارکت و یا حمایت مستقیم و یا غیرمستقیم نمایند واجد این مفهوم است که:

۱- آنها با حمله نظامی آمریکا و بیشترمداخله آن کشور در امور داخلی ایران موافقت، و اگر از سوی آمریکا اقدام نظامی علیه ایران بشود با تصویب و جواز آنان بوده است.

۲- با فدراتیو کردن کشورمان موافقت که نمونه فدراتیو عراق برکشورما مستولی شود.

۳- تانید دارند که قانون اساسی مطرح درتظاهرات هفتم می و هفدهم می با موافقت آنان تنظیم شده است.

۴- هدف از ارائه اسناد و شهود بالا این است که حکومت فعلی آمریکا ممکن است؛ انجام اقداماتی علیه ایران را لازم بداند. همانطور که اقدامات مزبور نیاز به زمینه سازی ها و بهانه گیری ها دارد و نیز نیاز به یارگیری کشورها و تثبیت موقعیت جهانی است؛ اقدامات حقوقی و زیربنایی هم برای مشروعیت دادن به آن حمله و اقدامات و پیامدهای آن لازم است و نمیتوان بدون توجه و رعایت و یا ایجاد زمینه های حقوقی که نام مردمی هم بر آن میگذارند اهداف نهایی آمریکا جامه عمل بخود گیرد.

این است که اجلاس هفتم ماه می و در کنار آن خیزش تنظیم قانون اساسی یک زمینه سازی و ایجاد مشروعیت برای اقداماتی است که احتمالاً بوسیله آمریکا علیه ایران انجام گیرد؛ لذا تبعات آن در هر حدی که باشد دقیقاً متوجه کسانی است که به این حرکت ضد ایران و ایران جامه حمایت و تائید میپوشانند.

۱- در گفتگویی آقای کیومرث نعیمی که مسئول برگزاری تظاهرات (اجلاس) در لس آنجلس است گفته است: «این آقا (منظورش اعلیحضرت است) تا بحال ۲۶۶ بار گفته است تعیین نوع رژیم را مردم ایران انتخاب خواهند کرد، اگر انتخاب نشد برود شمال یک ویلا بنشیند و زندگی کند... من دنبال آزادی ایران هستم.» به مضمون ح-ک